





وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
موسسه کار و تامین اجتماعی

عنوان طرح مطالعاتی:

ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال

مجری طرح:

دکتر علی‌رضا امینی

ناظر علمی طرح:

دکتر حسن طائی

کارفرما:

موسسه کار و تامین اجتماعی

مرداد ماه ۱۳۹۷

تعداد و محتوای فصل های مطالعه

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مبانی نظری

فصل سوم: ارزیابی کیفیت داده‌های آماری اشتغال و دستمزد

فصل چهارم: برآورد الگوهای ارزیابی نقش سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال

فصل پنجم: بررسی میزان اشتغالزایی سیاست‌های اقتصاد کلان در برنامه‌های توسعه

فصل ششم: بررسی سازگاری سیاست‌های اقتصاد کلان برنامه ششم، اقتصاد مقاومتی و برنامه دولت

دوازدهم با سیاست‌های اشتغال

فصل هفتم: جمع‌بندی و پیشنهادهای



فصل اول:
کلیات تحقیق

هدف پژوهش

- هدف اصلی مطالعه، ارزیابی اثرات سیاست های اقتصاد کلان بر اشتغال و شناسایی رویکرد مطلوب سیاست های مالی، پولی، ارزی و تجاری بر اشتغال،
- رایه توصیه های سیاستی در جهت اصلاح سیاست های اقتصاد کلان با رویکرد افزایش همزمان

تولید و اشتغال

رویکردهای متداول به سیاستهای اقتصاد کلان

- سیاستهای اقتصاد کلان می‌تواند نسبت به هدف ایجاد اشتغال، رویکرد فعال و یا غیر فعال داشته باشد.
- رویکرد سیاستهای فعال با توجه ویژه به مقوله اشتغال در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، سعی در ایجاد ظرفیت‌های جدید اشتغال و رونق بازار کار دارد و اشتغال را به عنوان هدفی کلیدی درون چارچوب سیاستهای اقتصاد کلان در نظر می‌گیرد و آن را تنها به عنوان پیامد رشد اقتصادی قلمداد نمی‌کند.
- رویکرد غیرفعال در سیاستهای اقتصاد کلان، با هدفگذاری رشدهای بالا و مستمر و تمرکز بر انضباط مالی، ثبات قیمت و آزاد سازی تجارت، فرض می‌کند واکنش خودکار بازار کار را به دنبال خواهد داشت.
- مسئله‌ی مهم در ارتباط با سیاستگذاری سیاستهای فعال بازار کار و سیاستهای اقتصاد کلان، هماهنگی و سازگاری بین این دو است.

فرضیه های تحقیق

فرضیه های تحقیق:

- ✓ سیاست های مالی و پولی انبساطی، اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ سیاست تجاری افزایش تعرفه بر واردات، اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ سیاست ارزی افزایش نرخ ارز حقیقی، اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ افزایش فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی، اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارد.

روش شناسی مطالعه

تحقیق حاضر:

- به لحاظ هدف از نوع تحقیقات **کاربردی**
- به لحاظ روش، از نوع تحقیقات **تحلیلی و توصیفی**
- به لحاظ روش جمع آوری اطلاعات مبتنی بر روش **کتابخانه‌ای و اسنادی**
- به لحاظ ابزار تحلیل اثرات سیاست های اقتصادی مبتنی بر **تصریح و برآورد توابع اشتغال**
- به لحاظ روش برآورد الگو استفاده از روش **اقتصادسنجی هم انباشتگی** و تکنیک حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل شده **(FMOLS)** – Fully Modified Ordinary Least Squares(FMOLS)
- به لحاظ پیش بینی، **پیش‌بینی‌های اشتغال** در قالب دو گزینه ادامه روند گذشته و گزینه متناظر با قانون برنامه ششم توسعه برای سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰



فصل دوم:
مبانی نظری و مطالعات تجربی

موضوعات مورد بررسی در فصل دوم

- ✓ مبانی خرد و کلان اشتغال
- ✓ منحنی عرضه کل
- ✓ تعادل در بازار کار و عرضه کل اقتصاد
- ✓ تعادل در بازار اجاره نیروی کار
- ✓ عدم توهّم پولی، انعطاف پذیری کامل قیمت‌ها و عرضه کل
- ✓ مروری اجمالی بر دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص اشتغال
- ✓ رابطه سطح دستمزدها و بیکاری
- ✓ نرخ بیکاری NAIRU
- ✓ دیدگاه کینزین‌های جدید
- ✓ سیاستگذاری در بازار کار
- ✓ سیاست‌های اقتصاد کلان و اشتغال
- ✓ مروری بر مطالعات تجربی
- ✓ مروری بر رشد اقتصادی فراگیر
- ✓ مروری اجمالی بر مبانی نظری و تجربی رشد بدون اشتغال

اثرات سیاست های مالی بر اشتغال

✓ تاثیرگذاری سیاست های مالی بر تولید بستگی به شکل منحنی عرضه ی کل و تقاضای کل در اقتصاد دارد. هر چقدر شیب تقاضای کل بیشتر و شیب عرضه کل کمتر باشد، تاثیرگذاری سیاست های مالی بر سطح تولید در اقتصاد بیشتر خواهد بود و در نتیجه اشتغال نیز بیشتر تحریک خواهد شد.

✓ نتایج بررسی مطالعات تجربی در خصوص اثرات افزایش مخارج دولت بر اشتغال نشان می دهد که **اثر سیاست مالی انبساطی از نوع افزایش مخارج دولت بر اشتغال مثبت** است. اگرچه در برخی موارد اثر مثبت مخارج مصرفی دولت بر اشتغال تایید نشده است، ولی تاثیر مثبت مخارج عمرانی یا سرمایه ای بر اشتغال تایید شده است. در مورد اثر مالیات بر اشتغال این نتیجه حاصل شده است که سطح بالای نرخ نهایی مالیات بر نیروی کار در کشورهای OECD ممکن است به افزایش بیکاری منجر شود، لیکن در کشورهای در حال توسعه این رابطه نامعلوم است. در کشورهای در حال گذار نیز رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

سیاست های پولی از چهار کانال نرخ بهره، قیمت دارایی، کانال اعتباری و نرخ ارز بخش حقیقی اقتصاد بخصوص اشتغال را متاثر می کنند.

(۱) در کانال نرخ بهره، سیاست های پولی از طریق تغییرات نرخ بهره منجر به تغییر تصمیمات سرمایه گذاری و مصرف می شود. در واقع با اتخاذ سیاست های پولی انبساطی (انقباضی) نرخ بهره حقیقی کاهش (افزایش) می یابد و با کاهش (افزایش) نرخ بهره حقیقی هزینه ی تامین مالی سرمایه گذاری کاهش می یابد و در نتیجه سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت و با افزایش سرمایه گذاری تقاضای کل اقتصاد و سطح عمومی قیمت ها افزایش می یابد و در نتیجه دستمزد حقیقی کاهش یافته و تقاضا برای نیروی کار نیز افزایش می یابد. آنچه در کانال نرخ بهره تعیین کننده است، میزان حساسیت سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره است.

(۲) در کانال تغییر قیمت دارایی ها بر اساس این مکانیزم که مورد توجه پولیون بوده، سیاست پولی بر قیمت نسبی دارایی ها و ثروت حقیقی تاثیر می گذارد، که این موضوع از دو طریق تئوری سرمایه گذاری Q توبین و اثرات ثروت بر مصرف تحلیل می شود. بر اساس نظریه توبین، استدلال می شود که افزایش حجم پول بدلیل افزایش قیمت انتظاری (از طریق افزایش قیمت سهام) با تشویق سرمایه گذاری، تقاضای کل و تولید را افزایش می دهد. همچنین تغییرات حجم پول می تواند با اثرگذاری بر ثروت، موجب تغییر در تقاضای کل شود.

ادامه کانالهای تاثیرگذاری سیاست پولی بر اشتغال

۳) **در کانال اعتبارات بانکی.** بر اساس این مکانیزم که مبتنی بر ساختار بازارهای مالی است، انتقال سیاست پولی به سه روش، شامل تاثیر بر وضعیت منابع مالی بانکها (کانال اعتبار یا دیدگاه وام)، تاثیر بر تامین منابع مالی خارج از منابع داخلی بنگاهها و تغییر وضعیت مالی بنگاهها (کانال تراز موجودی)، انجام می شود.

بر اساس روش اول، با اتخاذ سیاست پولی انبساطی، قدرت وام دهی بانکها افزایش می یابد.

در روش دوم، سیاست پولی از طریق عرضه اعتبارات بانکهای تجاری، هزینه تامین منابع مالی خارج از منابع داخلی بنگاهها را تحت تاثیر قرار میدهد.

بر مبنای روش سوم، سیاست پولی انبساطی، از طریق افزایش قیمت سهام، انگیزه اعطای وام را افزایش می دهد، لذا انتظار می رود که تولید نیز افزایش یابد.

۴) **کانال نرخ ارز** در قسمت مبحث سیاست های ارزی بحث می شود.

در مطالعات تجربی، افزایش اعتبارات اعطایی بانکها بر اشتغال تاثیر مثبت داشته است. کاهش نرخ بهره نیز بر اشتغال اثر مثبت و معناداری دارد. بنابراین، سیاست پولی انبساطی در قالب افزایش اعتبارات اعطایی به فعالیتهای اقتصادی و یا کاهش نرخ بهره به افزایش اشتغال منجر می شود.

اثرات سیاستهای ارزی بر اشتغال

در حوزه **سیاستهای ارزی**، تغییرات نرخ ارز چه از محل سیاستهای پولی باشد و چه از محل تعیین برونزای نرخ ارز صورت بگیرد، می تواند از طریق سه **کانال تکنولوژیکی**، **هزینه های کالاهای واسطه و حجم صادرات** بر بخش حقیقی اقتصاد تاثیرگذار باشد.

(۱) **در کانال تکنولوژیکی**، با کاهش نرخ ارز، قیمت کالاهای سرمایه ای وارداتی کاهش می یابد و واردات بیشتری از این نوع کالاهای سرمایه ای رخ می دهد که به معنای ورود فناوریهای نوین به داخل کشور و نیاز کمتر به نیروی کار خواهد بود.

(۲) **در کانال هزینه های واسطه**، افزایش نرخ ارز از طریق افزایش قیمت کالاهای واسطه ای وارداتی به افزایش هزینه های تولید و نهایتاً کاهش تولید و اشتغال منجر میشود.

• نتایج بررسی مطالعات تجربی نشان می دهد که جهش نرخ ارز (تضعیف ارزش پول ملی) و همچنین نوسانات بالای آن بر اشتغال تاثیر منفی دارد.

(۳) **در کانال حجم صادرات**، افزایش نرخ ارز از طریق افزایش صادرات می تواند تاثیر مثبت بر اشتغال داشته باشد.

اثرات سیاست‌های تجاری بر اشتغال

سیاست‌های تجاری از طریق تاثیر بر میزان موانع تجاری و هزینه‌های تجارت (از نظر زمان و ارزش) می‌تواند در سودآوری فعالیت‌های تجارت محور (صادراتی و وارداتی) موثر باشد و از این طریق میزان دستمزدها و اشتغال را تحت تاثیر قرار دهد.

با حرکت به سوی کاهش موانع تجاری و به عبارت دیگر آزادسازی تجاری، انتظار می‌رود فعالیت‌های صادراتی توسعه یابد و فعالیت‌های جایگزین واردات کاهش یابد که نتیجه اجرای این سیاست در کشورهای در حال توسعه که صادرکننده محصولات کاربر هستند، مثبت ارزیابی می‌شود.

نتایج مطالعات تجربی مربوط به اثر جهانی شدن بر اشتغال نشان می‌دهد با حرکت سریعتر به سوی جهانی شدن، اشتغال افزایش و بیکاری کاهش می‌یابد. بطور مشخص‌تر، درجه باز بودن اقتصاد با اشتغال رابطه مستقیم دارد.

فصل سوم:

ارزیابی کیفیت داده‌های آماری اشتغال و

دستمزد

ارزیابی کیفیت داده‌های آماری

یکی از محدودیت‌های تحقیق به ویژه در حوزه اقتصاد سنجی سری زمانی، کمبود آمارهای سری زمانی اشتغال **با دقت و کیفیت بالا** است. بدین منظور در فصل سوم مطالعه، ابتدا کیفیت داده‌های آماری اشتغال در سرشماری‌ها و طرح‌های آمارگیری مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت سری زمانی اشتغال برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ با استفاده از منابع آماری دیگر نظیر طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار و آزمون سازگاری آن، استخراج شد.

علاوه بر این، برای دستمزدها نیز پس از استخراج آن از منابع مختلف و مقایسه آنها، در نهایت سری زمانی دستمزدها مبتنی بر نتایج طرح آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار استخراج شد.

موضوعات مورد بررسی در فصل سوم

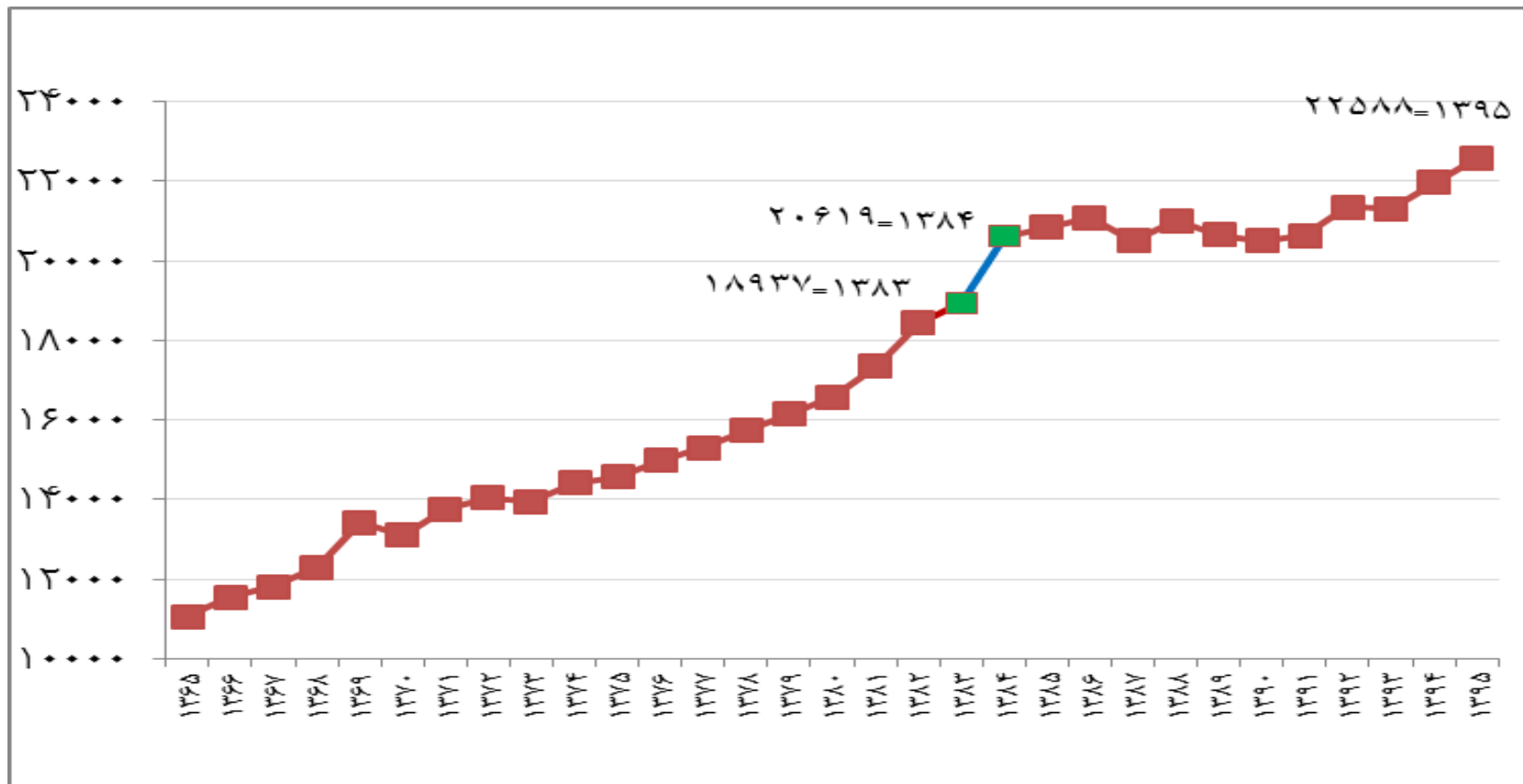
- ✓ بررسی شاخص‌های بازار کار در طرح‌های آمارگیری نمونه‌ای
- ✓ بررسی شاخص‌های بازار کار در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن
- ✓ بررسی کیفیت آمارهای دستمزد در ایران
- ✓ تشکیل سری زمانی اشتغال برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ بر حسب فعالیتها، جنسیت، آموزش عالی و فاقد آموزش عالی و مزد و حقوق بگیر

ارزیابی کیفیت داده‌های آماری اشتغال

پس از بررسی ویژگی‌های طرح‌های آمارگیری در زمینه بازار کار و کیفیت آمارهای تولید شده، نسبت به تشکیل سری زمانی کل جمعیت شاغل اقدام گردید.

در تشکیل سری زمانی اشتغال سعی گردید **حداکثر** استفاده از آمارهای تولید شده دارای کیفیت قابل قبول، بعمل آید. در برخی سال‌ها که یا اطلاعاتی تولید نشده است و یا آمارهای تولید شده سازگار با آمارهای سال‌های قبل و بعد از آن سال نیست، از روش **درونیابی لاگرانژ** برای برآورد اشتغال در چنین سالهایی استفاده شده است.

نمودار جمعیت شاغل طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ (هزار نفر)



پس از برآورد تابع اشتغال به روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) و مقایسه ارقام واقعی و برازش شده اشتغال، این نتیجه حاصل شد که سری زمانی اشتغال تولید شده از کیفیت قابل قبولی برخوردار است.

ادامه، ارزیابی کیفیت داده‌های آماری اشتغال

تولید سری های زمانی اشتغال بر حسب:

- (۱) فعالیت‌های عمده اقتصادی در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۵. با توجه به این که در اکثر سالهای مورد بررسی، آمارهای اشتغال از طرح‌های نمونه‌گیری بدست آمده‌اند و این نمونه‌ها در سطوح تفصیلی فعالیت اپتیمم نیستند، لذا توصیه می‌شود از طبقه‌بندی سه گانه گروه‌های فعالیت اقتصادی شامل کشاورزی، صنعت و خدمات استفاده شود و در مواردی که نیاز به آمارهای اشتغال بر حسب سطوح تفصیلی فعالیت است باید با احتیاط از این آمارها استفاده شود.
- (۲) سری زمانی اشتغال بر حسب جنس (زن و مرد) برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵. مطابق نتایج، سهم اشتغال زنان همراه با برخی نوسانات، روندی افزایشی داشته و از ۸.۸ درصد در ۱۳۶۵ به ۱۴.۸ درصد در ۱۳۹۵ رسیده است.
- (۳) سری زمانی اشتغال بر حسب دارای آموزش عالی و فاقد آموزش عالی نیز طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۵. نتایج نشانگر یک روند افزایشی یکنواخت می‌باشد، به گونه‌ای که سهم شاغلان دارای آموزش عالی از کل شاغلان کشور از حدود ۴.۵ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۲۳.۴ درصد در ۱۳۹۵ افزایش یافته است.
- (۴) سری زمانی سهم شاغلان مزد و حقوق‌بگیر برای دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۵. نتایج محاسبات انجام شده نشانگر آن است که سهم مزد و حقوق‌بگیران از کل اشتغال طی دوره مذکور همراه با نوساناتی صعودی بوده است، به گونه‌ای که از ۵۱.۱ درصد در ۱۳۷۰ به ۵۵ درصد در ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

ادامه، ارزیابی کیفیت داده‌های آماری دستمزد

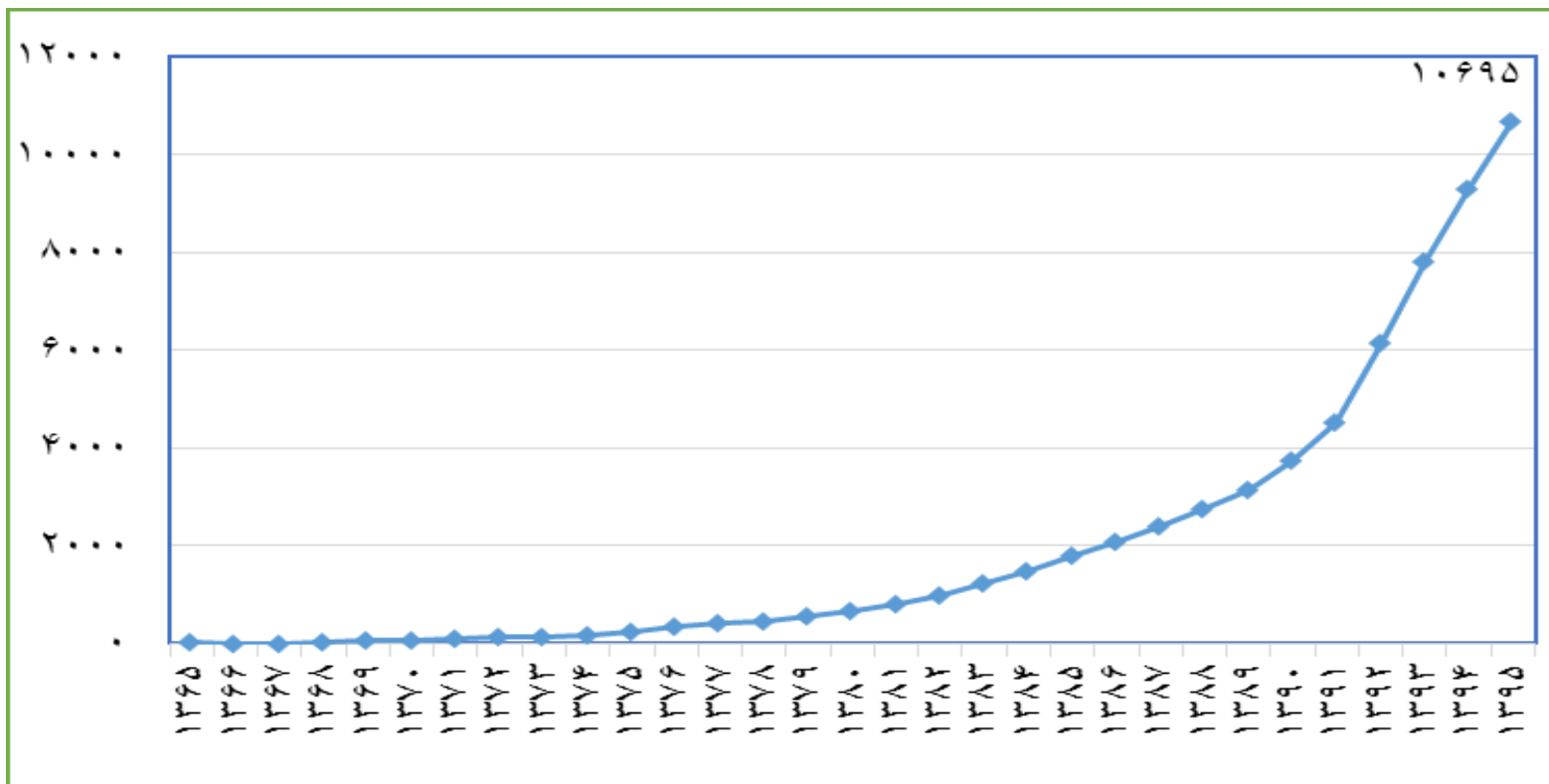
تولید سری زمانی دستمزد:

سه شاخص دستمزد بر اساس آمارهای طرح هزینه و درآمد خانوار و حساب‌های ملی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران محاسبه گردیده است.

نتایج محاسبات سری زمانی شاخص‌های دستمزد در سطح کلان اقتصاد نشانگر آن است که متوسط دستمزد محاسبه شده بر اساس طرح هزینه و درآمد خانوار نسبت به دو شاخص دستمزد دیگر در سطح پایین‌تری قرار دارد که دلیل آن کم‌اظهاری درآمدها توسط خانوارها در طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار است که امری طبیعی و مورد انتظار است. گفتنی است، متوسط دستمزد محاسبه شده از طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار نسبت به حداقل دستمزد قانونی بالاتر است که نشان می‌دهد این اطلاعات از حداقل سازگاری برخوردار است. مطلب دیگر آن که، متوسط دستمزد بدست آمده از حساب‌های ملی بانک مرکزی نسبت به دو شاخص دیگر در سطح بالاتری قرار دارد. یافته دیگر آن که، روند هر سه شاخص دستمزد، با یکدیگر هماهنگ بوده و روندی صعودی داشته‌اند.

نمودار میانگین دستمزد اسمی ماهیانه مزد و حقوق بگیران در دوره

۱۳۶۵-۱۳۹۵ (هزار ریال)



برای دسترسی به آمار سری زمانی دستمزدها در سطح کلان اقتصاد، از نتایج طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ استفاده شده است. مطابق نمودار متوسط دستمزد ماهانه طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ بطور متوسط سالانه ۲۴ درصد افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ به حدود یک میلیون و هفتاد هزار تومان رسیده است که حدود ۲۳ درصد بالاتر از حداقل دستمزد قانونی بوده است.

فصل چهارم:

تصریح و برآورد الگوهای ارزیابی نقش
سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال

تصریح الگوهای ارزیابی اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال

بر اساس دیدگاه‌های نظری موجود در حوزه تقاضای نیروی کار، نتایج مطالعات تجربی، شرایط اقتصادی کشور و همچنین محدودیت‌های تحقیق، شکل کلی الگوی تجربی اشتغال به صورت رابطه زیر تصریح شده است:

$$Y_t = Z^\gamma K_t^\alpha L_t^\beta \quad \longrightarrow \quad L^d = L(Y, w, r, Z)$$

این تابع از **بسط تابع تولید متداول کاب-داگلاس** و این فرض که بنگاه‌های اقتصادی به دنبال حداقل کردن هزینه‌های استفاده از نیروی کار و سرمایه هستند، به دست آمده است. حروف Y ، K و L به ترتیب نشان‌دهنده تولید واقعی، موجودی سرمایه فیزیکی و نهاده کمیت نیروی کار است. Z نیز بیانگر بهره‌وری کل عوامل است که دربرگیرنده نقش سایر عوامل مؤثر بر تولید غیر از کمیت نیروی کار و سرمایه فیزیکی است. α و β پارامترهای نشان‌دهنده کشش‌های تولیدی سرمایه و نیروی کار هستند و γ نیز کشش تولید نسبت به بهره‌وری عوامل تولید را بیان می‌کند. در تصریح الگو، نقش سایر عوامل مؤثر بر تولید به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیر بهره‌وری کل عوامل وارد الگو شده است.

حال اگر از روش حداقل سازی تابع هزینه بنگاه استفاده نماییم و با استفاده از **لم شپارد** از آن نسبت به دستمزد مشتق جزئی بگیریم، اشتغال تابعی از دستمزد، هزینه استفاده از سرمایه، تولید و بهره‌وری کل عوامل بدست می‌آید. در این رابطه می‌توان از متغیرهای **سیاست مالی، پولی، تجاری و ارزی** نیز استفاده نمود تا بتوان اثرات آنها را بر اشتغال مورد ارزیابی قرار داد.

مدل ارزیابی اثرات سیاست پولی بر اشتغال

$$LL = B_0 + B_1 * RIR + B_2 * LRGDPNO + B_3 * LM\gamma + B_4 * LLOAN + B_5 * LRW + \varepsilon_t$$

در رابطه فوق،

حرف **L** به معنای لگاریتم، **LL** متغیر لگاریتم اشتغال، **RIR** متغیر نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی، **M2** نقدینگی حقیقی، **LOAN** مانده تسهیلات بانکی حقیقی، متغیر **RW** دستمزد حقیقی، **GDPNO** تولید ناخالص داخلی غیر نفتی به قیمت ثابت، **KLR** سرمایه سرانه و ε_t جزء اخلاص مدل است.

مدل ارزیابی اثرات سیاست مالی بر اشتغال

$$LL = B_0 + B_1 * LKLR + B_2 * LRW + B_3 * LGDPNO + B_4 * LCC + B_5 * LIC + B_6 * LIT + B_7 * LDT + \varepsilon_t$$

در رابطه فوق،

حرف L به معنای لگاریتم، LL متغیر لگاریتم اشتغال، KLR متغیر سرمایه سرانه، GDPNO تولید ناخالص داخلی بدون لحاظ نفت، CC هزینه های جاری دولت به قیمت ثابت، IC متغیر هزینه های عمرانی به قیمت ثابت، متغیر RW دستمزد حقیقی، DT مالیات های مستقیم و IT مالیات های غیر مستقیم به قیمت ثابت می باشند و ε_t جزء اخلاص مدل است.

مدل ارزیابی اثرات سیاست‌های تجاری و ارزی بر اشتغال

$$LL = B_0 + B_1 * RER + B_2 * WTR + B_3 * LGDPNO + B_4 * LKLR + B_5 * LRR + \varepsilon_t$$

در این مدل

حرف **L** معرف لگاریتم، **LL** متغیر لگاریتم اشتغال، **RER** متغیر نرخ ارز حقیقی، **WTR**

متوسط موزون نرخ تعرفه وارداتی، **LGDPNO** متغیر تولید ناخالص داخلی غیر نفتی، **KLR**

متغیر سرمایه سرانه، **RR** فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی و ε_t جزء اخلاص مدل است.

داده های آماری

تمامی متغیرها به قیمت ثابت ۱۳۹۰ و به استثنای متغیر اشتغال، از منابع آماری بانک مرکزی استخراج شده است.

همانطور که قبلاً گفته شد، در تشکیل سری زمانی اشتغال برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵، سعی گردید از هر دو منبع آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن و طرح های آمارگیری استفاده شود. برای دسترسی به آمار سری زمانی دستمزدها در سطح کلان اقتصاد، از نتایج طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ استفاده شده است. بدین منظور، با در نظر گرفتن وزن خانوار، جهت محاسبه متوسط دستمزد طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ از میانگین وزنی درآمد ماهیانه مشاغل مزد و حقوق بگیری بخش دولتی و خصوصی استفاده شده است.

روش برآورد الگوهای اشتغال

روش برآورد در تمامی الگوها، استفاده از **رویکرد هم‌انباشتگی و تکنیک حداقل مربعات معمولی کاملاً تعدیل شده (FMOLS)** برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ بوده است. روش FMOLS، اولین بار بوسیله فیلیپس و هانسن (۱۹۹۰) به منظور فراهم کردن تخمین‌های بهینه از رگرسیون‌های هم‌انباشتگی طراحی شده است. روش مذکور، حداقل مربعات معمولی را بابت اثرات خودهمبستگی و درون‌زایی متغیرهای مستقل که از وجود یک رابطه هم‌انباشتگی منتج می‌شوند، اصلاح می‌کند. **در این روش، متغیرهای مستقل می‌توانند (0) یا (1) بوده و متغیرهای روند زمانی معین در الگو حضور داشته باشند.** پتر فیلیپس در سال ۱۹۹۲ نشان داد که رگرسیون FMOLS تخمین‌هایی از یک ریشه واحد در رگرسیون سری زمانی ایجاد می‌کند که فوق سازگار هستند، بدین مفهوم که نرخ همگرایی تخمین‌های FMOLS بمراتب سریعتر از تخمین‌های حداقل مربعات معمولی است.

در خصوص آزمون‌های اعتبار سنجی مدل باید گفت که، روش (FMOLS)، با در نظر گرفتن اثرات خودهمبستگی سریالی و درون‌زایی در متغیرها، خودهمبستگی را تعدیل می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات ناشی از خودهمبستگی رفع شده است و نیاز به آزمون ندارد. با توجه به ماهیت روش برآورد الگو، فقط بررسی واریانس ناهمسانی و آزمون نرمال بودن پسماندها موضوعیت دارد که در هر یک از الگوهای برآورد شده

آزمون های قبل از برآورد الگوها

قبل از برآورد الگوها، **آزمون مانایی** متغیرهای الگوها انجام شد. نتایج نشان داد به جز، متغیر نرخ سود تسهیلات بانکی و متغیر نرخ تعرفه وارداتی که در سطح مانا هستند، متغیرهای دیگر مدل نامانا و (1) می باشند، لذا باید این متغیرها با یک مرتبه تفاضل وارد مدل شوند. از آنجا که در تفاضل گیری ارتباط بلندمدت متغیرها از بین خواهد رفت، لذا برای آزمون نیاز به تفاضل گیری متغیرها در الگو، لازم است **از آزمون هم انباشتگی** استفاده شود. نتایج آزمون هم انباشتگی همه الگوها نشان می دهد که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل وجود دارد، لذا می توان بدون تفاضل گیری، متغیرها را وارد مدل نمود.

جدول نتایج برآورد روش هم انباشتگی برای مدل اثرات سیاست پولی بر اشتغال

در جدول زیر نتایج حاصل از برآورد الگوی اثرات سیاست های پولی بر اشتغال با استفاده از روش هم انباشتگی طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ آورده شده است. ضریب تعیین الگوی برآوردی ۹۹ درصد است که بیانگر توضیح دهندگی مناسب متغیرهای مدل برای متغیر وابسته اشتغال می باشد. نتایج آزمون مانایی برای پسماندها نشان می دهد که پسماندها مانا بوده و مدل به خوبی برازش شده است. با الهام از روش شناسی LSE، مدل های متعددی تخمین زده می شود و آن مدلی که بهترین برازش را بر داده های آماری دارد انتخاب می شود. مبنای انتخاب بهترین الگوی برآوردی، قدرت تشریح تعدیل شده رگرسیون است. برای اعتبار سنجی مدل، آزمون هایی از قبیل نرمال بودن جملات پسماند، ناهمسانی واریانس، خود همبستگی و خطای تصریح با تأکید بر شکست ساختاری مورد توجه قرار گرفت.

عنوان متغیر	نام متغیرها	ضریب متغیر/(انحراف معیار)
LRW	لگاریتم دستمزد واقعی	-0.03(0.005*)
LLOAN	لگاریتم مانده تسهیلات بانکی حقیقی	0.042(0.01*)
LGDPNO	لگاریتم تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به قیمت ثابت	0.14(0.03*)
LKLR	لگاریتم سرمایه سرانه	-0.65(0.02*)
LM2	لگاریتم نقدینگی حقیقی	0.05 (0.02*)
RIR	نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی	-0.006(0.0001*)
C	عرض از مبدأ	17.30 (0.6*)
@TREND	روند	0.02(0.002*)
\bar{R}^2	خوبی برازش	0.99

مأخذ: نتایج برآورد الگو با نرم افزار Eviews, ver9

- اعداد داخل پرانتز مقدار انحراف معیار متغیر می باشد.

- علامت * معناداری ضرایب در سطوح اطمینان ۹۹ درصد را مشخص می کند.

تفسیر
نتایج

تفسیر نتایج برآورد مدل اثرات سیاست پولی بر اشتغال

- ✓ رابطه معکوس بین نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی و اشتغال وجود دارد که به معنای رابطه مکملی بین کار و سرمایه است. بنابراین، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی به افزایش اشتغال منجر می‌شود.
- ✓ افزایش نقدینگی حقیقی و مانده واقعی تسهیلات بانکی منجر به افزایش اشتغال خواهد شد، لذا اعمال سیاست‌های پولی انبساطی می‌تواند اثر مثبت و معناداری بر اشتغال داشته باشد. نکته دیگر آن که، کشش‌های اشتغال نسبت به نقدینگی و مانده تسهیلات اعطایی بترتیب حدود ۰.۰۵۵ و ۰.۰۴ است. به عبارت دیگر، سیاست پولی هدایت شده از طریق افزایش تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی، از کانال‌های مختلف مانند تامین سرمایه در گردش، توسعه سرمایه گذاری و افزایش قدرت خرید خانوارها برای خرید بیشتر کالاها و خدمات به افزایش اشتغال کمک زیادی می‌کند.
- ✓ دستمزد حقیقی اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارد که مطابق تئوریهای تقاضای نیروی کار است. با افزایش دستمزدهای حقیقی، هزینه‌های تولید افزایش یافته و بنگاهها تقاضای نیروی کار را کاهش داده و باعث کاهش اشتغال خواهد شد.
- ✓ تولید ناخالص داخلی غیر نفتی اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد، یعنی رفع موانع تولید و سرمایه گذاری به افزایش اشتغال منجر می‌شود.
- ✓ سرمایه سرانه به عنوان جانشینی از تغییرات فناوری تاثیر منفی و معنادار بر اشتغال دارند و کشش اشتغال نسبت به تغییرات سرمایه سرانه بالا است، به گونه ای که با فرض ثابت بودن سایر عوامل، یک درصد افزایش سرمایه سرانه به ۰.۶۵ درصد کاهش در اشتغال منجر خواهد شد. بنابراین، مهار روند افزایشی سرمایه سرانه می‌تواند به افزایش اشتغال کمک کند.
- ✓ ضریب متغیر روند زمانی نیز بیانگر اثر مثبت سایر عوامل موثر بر اشتغال است که بنا به دلایل مختلف وارد الگو نشده‌اند.

جدول نتایج برآورد روش هم انباشتگی برای مدل اثرات سیاست مالی بر اشتغال

عنوان متغیر	نام متغیرها	ضریب متغیر/(انحراف معیار)
LKLR	لگاریتم سرمایه سرانه	-0.74(0.01*)
LRW	لگاریتم دستمزد واقعی	-0.04(0.003*)
LGDPNO	لگاریتم تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به قیمت ثابت	0.4 (0.02*)
LIC	لگاریتم هزینه‌های عمرانی دولت به قیمت ثابت	0.01(0.002*)
LCC	لگاریتم هزینه‌های جاری دولت به قیمت ثابت	0.007(0.01)
LIT	لگاریتم مالیات‌های غیرمستقیم دولت به قیمت ثابت	-0.01 (0.002*)
LDT	لگاریتم مالیات‌های مستقیم دولت به قیمت ثابت	-0.02(0.003*)
C	عرض از مبدا	15.6(0.17*)
@TREND	روند	0.003(0.001*)
@TREND^2	توان دوم روند	0.0003(0.001*)
\bar{R}^2	خوبی برازش	0.99

مأخذ: نتایج برآورد الگوی با نرم افزار Eviews,ver9

• اعداد داخل پرانتز مقدار انحراف معیار متغیر می باشد.

• علامت * معناداری ضرایب در سطوح اطمینان ۹۹ درصد را مشخص می کند.

• متغیر LCC به لحاظ اقتصادسنجی معنی دار نبود. سطح معنی داری متغیر مذکور حدود ۵۰ درصد می باشد.

تفسیر
نتایج

تفسیر نتایج بر آورد مدل اثرات سیاست مالی بر اشتغال

- ✓ اگرچه هزینه‌های جاری دولت تاثیر مثبتی بر اشتغال دارد، ولی این تاثیر از نظر آماری معنادار نیست. این نتیجه مطابق انتظار است، زیرا در اقتصاد ایران ظرفیت‌های بیکار در مقیاس گسترده وجود دارد و افزایش هزینه‌های جاری دولت به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و کاهش ظرفیت‌های بیکار بنگاه‌ها منجر می‌شود، لذا تاثیری بر افزایش اشتغال ندارد و نقش آن بیشتر تثبیت اشتغال موجود است.
- ✓ هزینه‌های عمرانی در مقایسه با هزینه‌های جاری، دارای اثر مثبت، معنادار و قویتری بر اشتغال است. افزایش هزینه‌های عمرانی دولت هم در دوران ساخت طرح‌های عمرانی و هم در دوران بهره‌برداری به افزایش اشتغال منجر می‌شود. افزون بر این، با توسعه زیرساختها، بخش خصوصی نیز انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری خواهد داشت و به افزایش اشتغال کمک خواهد کرد.
- ✓ اولاً مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم مطابق انتظار نظری، اثر منفی و معناداری بر اشتغال دارند، ثانیاً مالیات‌های مستقیم در مقایسه با مالیات‌های غیرمستقیم، اثر منفی به نسبت قویتری بر اشتغال دارد. افزایش مالیات‌های مستقیم از کانال کاهش درآمد قابل تصرف خانوارها، هم بر کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بدنبال آن اشتغال موثر است و هم از کانال کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات بر اشتغال موثر است. اگر افزایش درآمد مالیاتی برای ارابه خدمات بیشتر به جامعه ضروری است، توصیه می‌شود از طریق افزایش سهم مالیات‌های غیر مستقیم دنبال شود.
- ✓ یافته دیگر آن که، تولید ناخالص داخلی غیر نفتی مطابق انتظار نظری اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ کشش اشتغال نسبت به سرمایه سرانه حدود منفی $0/74+$ است که نسبت به تمامی متغیرهای مستقل بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است که حاکی از تاثیر زیاد تحولات فناوری بر اشتغال است و سیاست گذاران بازار کار نباید از آن غافل شوند.
- ✓ دستمزدهای واقعی دارای اثر منفی و معناداری بر اشتغال است. با افزایش دستمزدهای واقعی هزینه‌های تولید بنگاه‌ها افزایش یافته، لذا سوددهی بنگاه‌ها کاهش یافته و بنگاه در پی کاهش هزینه‌های تولید، تقاضا برای نیروی کار را کاهش داده و اشتغال کاهش خواهد داشت
- ✓ اثر سایر عوامل موثر بر اشتغال در قالب متغیر روند و مجذور آن در الگو لحاظ شده است و بدین معنا است که در دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۸ این متغیرها اثر مثبت و بعد از آن اثر منفی بر اشتغال گذاشته اند.

جدول نتایج برآورد مدل اثرات سیاست‌های تجاری و ارزی بر اشتغال

عنوان متغیر	نام متغیرها	ضریب متغیر/(انحراف معیار)
RER	نرخ ارز حقیقی	-2.19E-06(7.44E-07)
WTR	متوسط موزون نرخ تعرفه وارداتی	0.0003(0.0002**)
LGDPNO	لگاریتم تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به قیمت ثابت	0.18(0.04*)
LKLR	لگاریتم متغیر سرمایه سرانه	-0.45(0.04*)
LRR	لگاریتم فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی	-0.005(0.002*)
C	عرض از مبدأ	16.73(0.7*)
@TREND	روند	0.02(0.002*)
\bar{R}^2	خوبی برازش	0.99

مأخذ: نتایج برآورد الگوی با نرم افزار Eviews,ver9
 اعداد داخل پرانتز مقدار انحراف معیار متغیر می‌باشد. علامت‌های * و ** معناداری ضرایب در سطوح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد را مشخص می‌کند.



تفسیر نتایج برآورد مدل اثرات سیاست تجاری و ارزی بر اشتغال

- ✓ افزایش نرخ تعرفه وارداتی دارای اثر مثبت و معنادار بر اشتغال است. بنابراین، سیاست تجاری افزایش نرخ تعرفه بر واردات، از طریق حمایت از تولید داخلی به افزایش اشتغال منجر می‌شود. با توجه به این که بخش عمده حمایت تجاری در ایران معطوف به کالاهای مصرفی است، اثر معنادار تعرفه وارداتی بر اشتغال مورد انتظار است، زیرا در نتیجه حمایت تجاری مذکور، صنایع جایگزین واردات که احتمالاً کاربر نیز هستند، توسعه می‌یابند.
- ✓ سیاست ارزی افزایش نرخ ارز واقعی، دارای اثر منفی و معنادار بر اشتغال است، زیرا از یک طرف هزینه‌های تولید بنگاه‌های داخلی بواسطه افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای وارداتی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر قیمت کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد که نتیجه هر دو کاهش اشتغال است. با توجه به این که عمده محصولات صادراتی ایران مانند پتروشیمی، میعانات گازی و فولادی سرمایه‌بر هستند، اثر مثبت افزایش نرخ ارز واقعی بر اشتغال کوچک است. بنابراین، اثر خالص افزایش نرخ ارز حقیقی بر اشتغال منفی است.
- ✓ رابطه منفی و معناداری بین سرمایه سرانه و دستمزدهای واقعی با اشتغال وجود دارد.
- ✓ تولید ناخالص داخلی غیر نفتی اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد. همانند الگوی قبلی، سرمایه سرانه بیشترین تاثیر را در بین متغیرهای مورد بررسی بر اشتغال دارد.
- ✓ ضریب متغیر روند زمانی نیز بیانگر اثر مثبت سایر عوامل موثر بر اشتغال است که بنا به دلایل مختلف وارد الگو نشده‌اند.

جدول نتایج برآورد مدل اثرات صادرات و واردات بر اشتغال

به منظور شناسایی نقش صادرات غیر نفتی و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بر اشتغال، الگویی برآورد شده که در آن بجای متغیرهای سیاستی، از **نسبت صادرات غیر نفتی به تولید و نسبت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید** استفاده شده است. نتیجه حاصل از برآورد الگوی مذکور به صورت زیر است:

عنوان متغیر	نام متغیرها	ضریب متغیر (انحراف معیار)
LRW(-1)	لگاریتم دستمزد حقیقی با وقفه	-0.09(0.013*)
LGDPNO	لگاریتم تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به قیمت ثابت	0.55(0.05*)
LKLR	لگاریتم سرمایه سرانه	-0.52(0.04*)
XNOY	نسبت صادرات غیر نفتی به تولید	0.01(0.002*)
MICY	نسبت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید	0.001(0.0005**)
C	عرض از مبدا	12.09(0.78)
@TREND	روند	0.005(0.003**)
\bar{R}^2	خوبی برازش	0.99

مأخذ: نتایج برآورد الگوی با نرم افزار Eviews, ver9
 اعداد داخل پرانتز مقدار انحراف معیار متغیر می‌باشد.

علامت‌های * و ** معناداری ضرایب در سطوح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد را مشخص می‌کند.

تفسیر
نتایج

تفسیر نتایج برآورد مدل اثرات صادرات و واردات بر اشتغال

با افزایش نسبت‌های صادرات غیر نفتی و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید، اشتغال افزایش می‌یابد. بنابراین، از طریق تسهیل تجاری (آسان و کم هزینه کردن فرایندهای صادرات و واردات) می‌توان هم موجبات تشویق صادرات غیر نفتی را فراهم آورد و هم به افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و نهایتاً تولید و اشتغال کمک کرد.

افزون بر این، از طریق پرداخت یارانه صادراتی و کمک دولت به برنامه‌های افزایش بهره‌وری در شرکت‌های صادراتی، می‌توان صادرات غیر نفتی و بدنبال آن اشتغال را افزایش داد.

در ضمن، ضرایب بقیه متغیرها مطابق انتظار نظری و شبیه الگوهای قبلی برآورد شده است.

فصل پنجم:

بررسی میزان اشتغالزایی سیاست های
اقتصاد کلان در برنامه های توسعه

محتوای و متغیرهای مورد بررسی در فصل پنجم

در فصل پنجم، روند متغیرهای سیاست‌های اقتصاد کلان مرتبط با اشتغال طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفت. این متغیرها عبارتند از:

✓ متغیرهای اعتبارات هزینه ای (جاری)، تملک دارایی‌های سرمایه ای (عمرانی)، مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم به عنوان سیاست‌های مالی دولت

✓ متغیرهای حجم پول، مانده تسهیلات بانکی اعطایی به بخش غیر دولتی و نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان سیاست‌های پولی

✓ نرخ تعرفه وارداتی و نرخ ارز حقیقی به عنوان سیاست‌های تجاری و ارزی

✓ میزان اشتغالزایی بر حسب متوسط خالص اشتغال ایجاد شده و نرخ رشد اشتغال به تفکیک برنامه‌های توسعه

عنوان	برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴-۱۳۸۹)	برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۰-۱۳۹۵)
مالیات‌های مستقیم	2.9	19.2	-9.5	8.6	3.7
مالیات‌های غیر مستقیم	3.9	13.8	12.9	1.8	11.4
اعتبارات هزینه‌ای دولت	2.2	2.2	7.3	-1.5	-0.2
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	17.8	-0.4	5.1	8.6	-5.5
کل مالیات‌ها	3.3	17.7	-1.7	5.5	7.2
کل مخارج دولت	4.4	1.8	7.0	0.4	-1.4

رویکرد سیاست‌های مالی دولت در برنامه‌های توسعه **نامشخص** است. در برخی از برنامه‌های توسعه به افزایش سهم هزینه‌های اعتبارات عمرانی و در برخی از برنامه‌ها به افزایش سهم اعتبارات جاری توجه شده است. در مورد ترکیب مالیات‌ها نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. در حالی که ترکیب مخارج و مالیات‌ها به لحاظ تاثیرگذاری بر اشتغال از اهمیت زیادی برخوردار هستند. ✓ از منظر توسعه اشتغال، افزایش هزینه‌های عمرانی تاثیر معناداری بر افزایش اشتغال دارد، حال آن که اعتبارات جاری دولت اثر معناداری بر اشتغال ندارد. بنابراین، استراتژی دولت می‌بایست مبتنی بر رشد بیشتر هزینه‌های عمرانی و پایین نگه داشتن رشد اعتبارات جاری باشد.

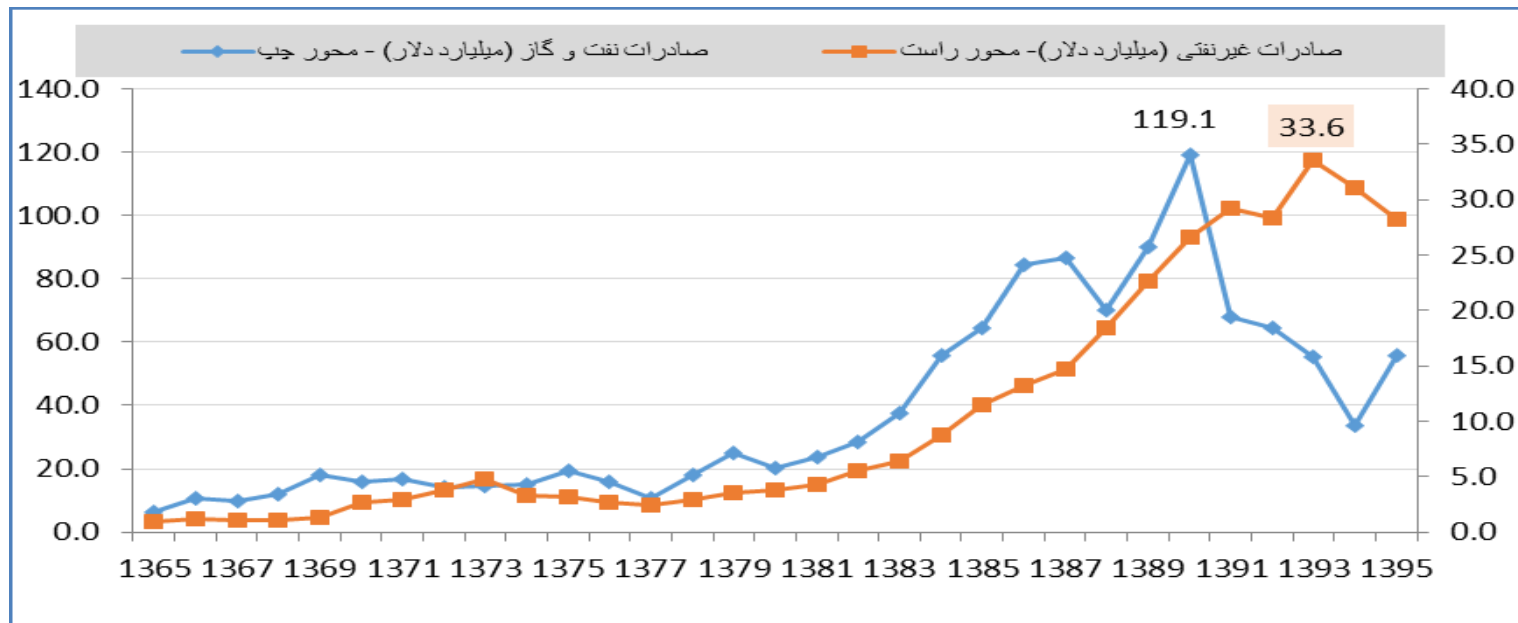
✓ **در مورد مالیات‌ها**، با توجه به این که اثرات منفی مالیات‌های مستقیم بر اشتغال قویتر است، دولت می‌بایست بر رشد کمتر مالیات‌های مستقیم و رشد بیشتر مالیات‌های غیر مستقیم تاکید داشته باشد. در برنامه پنجم توسعه، در حالی که مالیات‌ها رشد به نسبت بالایی داشته است، ولی اعتبارات عمرانی کاهش زیادی یافته است که نشانگر تدوین نادرست سیاست مالی است. مثال دیگر مربوط به برنامه چهارم توسعه است که در آن دوره، رشد مالیات‌های مستقیم چند برابر بیشتر از مالیات‌های غیر مستقیم است و تاثیرات منفی زیادی بر اشتغال داشته است.

متوسط رشد سالانه مانده تسهیلات بانکها و موسسات اعتباری به بخش غیردولتی به قیمت ثابت ۹۰ (درصد)	متوسط رشد سالانه نقدینگی به قیمت ثابت ۹۰ (درصد)	متوسط رشد سالانه حجم پول به قیمت ثابت ۹۰ (درصد)	میانگین نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی (درصد)	میانگین موزون نرخهای سود (مورد انتظار) تسهیلات بانکی (درصد)	عنوان
11.8	5.4	4.2	-5.5	13.4	برنامه اول توسعه ۱۳۶۸-۱۳۷۲
2.0	0.4	-1.4	-8.3	17.2	برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴-۱۳۷۸
19.8	13.0	8.5	2.8	17.0	برنامه سوم توسعه ۷۹-۸۳
12.7	11.1	4.7	1.1	16.0	برنامه چهارم توسعه ۸۴-۸۹
0.9	5.9	-5.5	-1.5	19.1	برنامه پنجم توسعه ۹۰-۹۵

در مورد سیاست پولی باید توجه داشت که کوشش اشتغال نسبت به مانده تسهیلات بانکی اعطایی به بخش غیر دولتی در مقایسه با کوشش اشتغال نسبت به نقدینگی بمراتب بیشتر است و بنابراین، سیاستگذار می‌بایست بر رشد بیشتر مانده تسهیلات بانکی در قیاس با نقدینگی تاکید داشته باشد. بررسی عملکرد رشد مانده تسهیلات بانکی طی برنامه‌های توسعه نشانگر آن است که در برنامه پنجم توسعه کمترین رشد را داشته و کمترین تاثیر مثبت را بر اشتغال داشته است. بنابراین، در اتخاذ سیاست پولی نیز استراتژی معینی برای تنظیم رشد مانده تسهیلات بانکی در رابطه با توسعه اشتغال وجود ندارد. به عبارت دیگر، در اتخاذ سیاست پولی، صرفاً کنترل تورم مد نظر سیاستگذار است. با توجه به این که افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی به کاهش اشتغال منجر می‌شود، بنظر می‌رسد بالا بودن نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی در برنامه پنجم توسعه مانع از رشد بیشتر اشتغال شده است.

عنوان	برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۹-۱۳۸۴)	برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۵-۱۳۹۰)
نرخ ارز آزاد دلار(ریال)	1469.8	5672.6	8256.8	9648.5	29201.7
نرخ ارز رسمی دلار(ریال)	383.8	1750.8	5693	9556.8	21994.5
نرخ ارز حقیقی	23704.3	28148.5	24633.3	15653.5	16960.6
متوسط رشد سالانه نرخ ارز آزاد	12.2	26	0.3	3.3	22.8
متوسط رشد سالانه نرخ ارز رسمی	88.6	0.05	37.8	2.9	20.3
متوسط رشد سالانه نرخ ارز حقیقی	0.1	6	-9.5	-7.9	4
نرخ تعرفه (درصد)	39.4	16.2	20.3	10.9	9.4
متوسط رشد سالانه نرخ تعرفه	-16.2	30	-16.3	1	-2.6

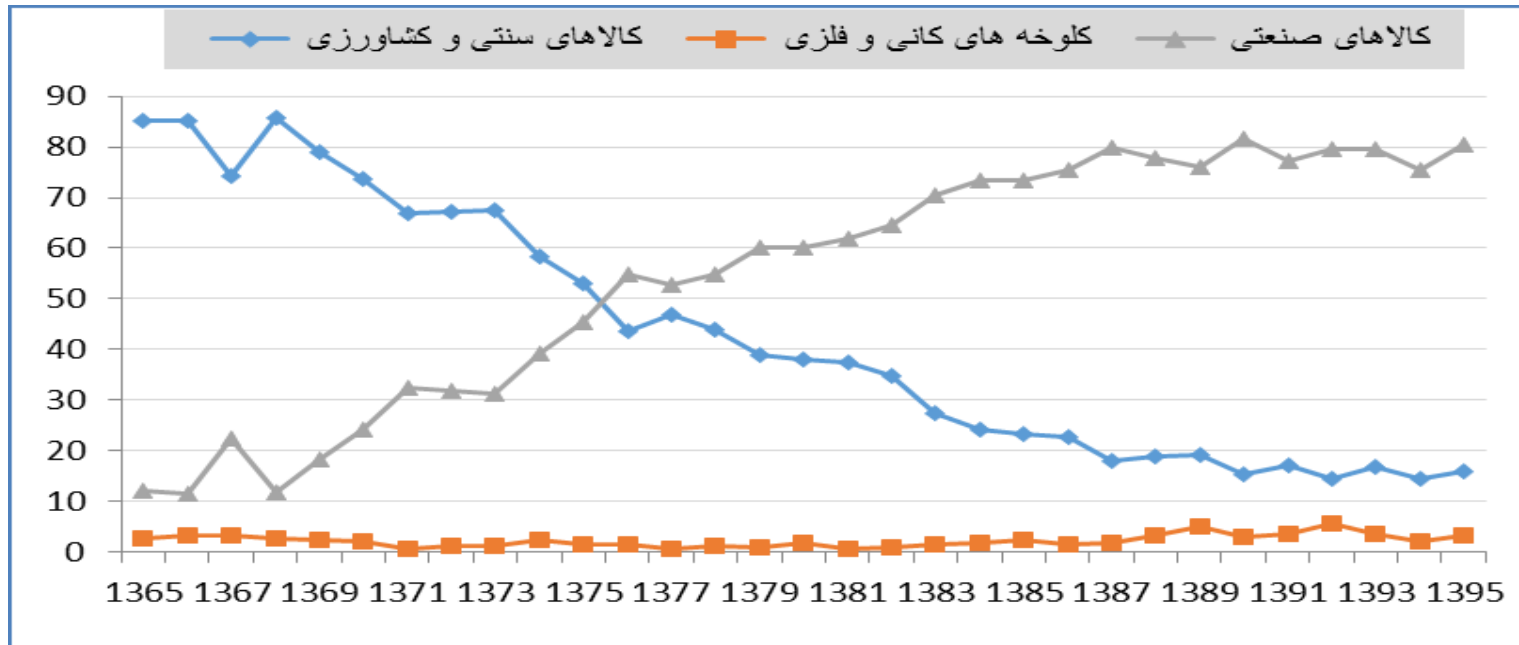
سیاست‌های تجاری و ارزی در کشور با رویکرد **کنترل تورم وارداتی** اجراء شده اند و به موضوع اشتغال توجهی ندارند. با توجه به اثرات منفی و معنادار نرخ واقعی ارز بر اشتغال از کانال افزایش هزینه‌های کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تثبیت نرخ واقعی ارز در بلندمدت دارای توجیه است تا هم قدرت رقابتی صادرکنندگان حفظ شود و هم تولیدات داخلی از این منظر آسیب نبینند. با توجه به تاثیرات مثبت تعرفه وارداتی بر اشتغال و بالا بودن سطح تعرفه‌ها در ایران نسبت به کشورهای دیگر و گستردگی پدیده قاچاق کالا، افزایش نرخ تعرفه وارداتی امکان‌پذیر نیست و در بهترین حالت از منظر هماهنگی با اشتغال، باید آن را ثابت نگه داشت. **بنابراین**، سیاست‌های تجاری و ارزی باید با رویکرد ثبات نرخ تعرفه و نرخ ارز حقیقی مورد توجه قرار گیرند و از این منظر نمی‌توان اشتغال ایجاد نمود.



ماخذ: بانک مرکزی

طی دهه ۸۰، ارقام جدیدی به سبد صادراتی کشور اضافه شده‌اند که **میعانات گازی و محصولات پتروشیمی** از این دست هستند که به لطف افزایش قیمت نفت، نقش مهمی را در رشد صادرات غیرنفتی داشته‌اند. افزایش قیمت نفت در این دوره، ضمن افزایش ارزش صادرات نفتی، باعث رشد صادرات غیر نفتی، نیز شد. صادرات غیرنفتی طی یک روند صعودی از ۰.۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ به ۳۳.۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته و سپس در نتیجه کاهش قیمت جهانی محصولات پتروشیمیایی، در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ روند کاهشی داشته و به ترتیب به ۳۱ و ۲۸.۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ تنزل یافت.

نمودار سهم صادرات بخش‌های اقتصادی در کل صادرات غیر نفتی (درصد)



ماخذ: بانک مرکزی

تا قبل از اواسط دهه ۱۳۷۰، صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی و معدنی بخش اعظم صادرات ایران را تشکیل داده است. از اواسط دهه ۱۳۷۰ **صادرات صنعتی** از یک روند صعودی برخوردار شد، به ویژه این که از سال ۱۳۷۶ صادرات صنعتی از لحاظ ارزش از صادرات سنتی و کشاورزی بیشتر شده است. در سال ۱۳۹۵، بخش صنعت **حدود ۸۱ درصد** از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است.

متوسط دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	کالاها	بخشها	ردیف
43.8	41.9	45.4	44.6	44.6	42.5	میوه‌های تازه و خشک	سهام اقلام عمده کشاورزی از کل صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی (درصد)	1
7.3	5.6	5.4	6.9	7.7	10.8	فرش دست باف		2
1.8	4.5	2.5	0.4	0.5	1.1	حیوانات زنده		3
12.9	14.5	13.4	10.7	13.2	12.6	سبزیجات و نباتات		4
5.2	3.4	3.7	4.4	7.5	7.1	زعفران		5
3.2	2.1	2.8	3.5	4.1	3.7	انواع پوست و چرم		6
1.9	1.4	1.9	2.5	2.0	1.9	روده		7
23.8	26.6	24.9	27.1	20.4	20.3	سایر		8
100	100	100	100	100	100	جمع		
25.0	26.8	25.6	21.6	20.5	30.8	فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز	سهام اقلام عمده کالاهای صنعتی از کل صادرات صنعتی (درصد)	1
8.3	10.2	9.6	8.9	7.2	5.5	چدن، آهن، فولاد و مصنوعات آنها		2
14.0	13.7	15.1	13.9	13.7	13.7	محصولات شیمیایی آلی		3
3.2	1.6	2.5	3.6	3.6	4.6	آلومینیوم، مس، روی و مصنوعات		4
15.8	17.6	17.4	17.2	14.5	12.3	مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد		5
6.8	6.5	6.5	8.4	7.5	5.2	خاک و سنگ، سیمان و گچ و مصنوعات سنگی و سرامیکی		6
0.7	0.7	0.6	0.6	0.7	0.6	ملبوس آماده، تریکو و انواع پارچه		7
1.3	0.8	1.0	1.3	2.2	1.3	وسایل نقلیه و قطعات یدکی آن		8
2.3	2.0	2.2	2.0	2.2	2.9	محصولات شیمیایی غیر آلی		9
1.3	1.3	1.2	1.4	1.6	1.2	فرش ماشینی و سایر کف پوش‌ها		10
1.1	0.0	0.1	0.2	2.5	2.6	زیور آلات و جواهر آلات		11
0.8	0.8	0.7	0.9	0.8	0.6	صابون، پودر و سایر مواد شوینده		12
0.5	0.4	0.4	0.5	0.5	0.5	کفش		13
19.0	17.6	16.8	19.5	22.5	18.3	سایر		14
100	100	100	100	100	100	جمع		

ماخذ: بانک مرکزی. خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۹۴

سهام کالاهای پتروشیمی و شیمیایی در صادرات صنعتی با یک روند رو به رشد مواجه بوده است. صادراتی که بخش قابل توجهی از آن را محصولات پتروشیمیایی و محصولات با پایه نفتی تشکیل می‌دهد و در باقیمانده این صادرات نیز نمی‌توان جایگاه خاص صادرات مواد خام و معدنی را نادیده گرفت که این هردو با رشد قیمت جهانی نفت در سالهای اخیر با افزایش قیمت همراه شده‌اند و به ما یاد آور می‌شود این درآمد ناشی از **فروش ثروت** بوده است و **نه حاصل از ایجاد ارزش افزوده واقعی** در اقتصاد کشور. طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴، متوسط سهم محصولات شیمیایی آلی ۱۴ درصد (پتروشیمیایی)، متوسط سهم فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز ۲۵ درصد (محصولات با پایه نفتی) و مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد ۱۵٫۸ درصد در صادرات صنعتی بوده است

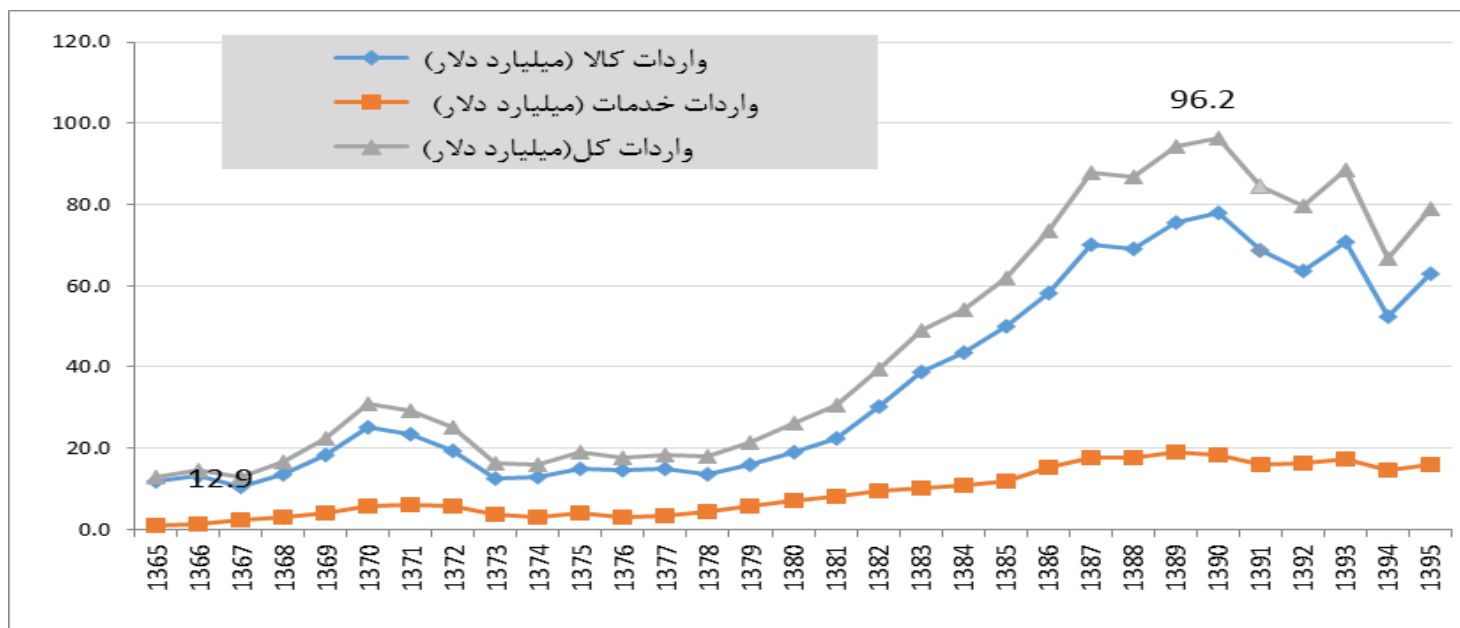
جدول سهم صادرات متکی بر منابع طبیعی (نفتی، معدنی و کشاورزی) از کل صادرات غیر نفتی (درصد)

ماهیت	محصولات	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	متوسط دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۴
نفتی	فرآورده‌های حاصل از نفت	25.1	15.8	17.2	20.4	20.2	19.7
	محصولات شیمیایی آلی	11.1	10.5	11.0	12.0	10.4	11
	مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد	10.0	11.2	13.7	13.9	13.3	12.4
معدنی	چدن، آهن، فولاد و مصنوعات آنها	4.5	5.5	7.1	7.7	7.7	6.5
	آلومینیوم، مس، روی و مصنوعات آنها	3.8	2.8	2.9	2.0	1.2	2.5
	کلوخته‌های کانی فلزی	3.1	3.6	5.5	3.5	2.0	3.6
کشاورزی	میوه‌های تازه و خشک، حیوانات زنده، سبزیجات و نباتات، زعفران، انواع پوست و چرم و روده	10.6	12.3	9.6	11.7	9.8	10.8
	جمع	68.1	61.8	67.1	71.2	64.7	66.6

ماخذ: بانک مرکزی. خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۹۴ - استخراج شده از آمارهای گمرک

بطور متوسط حدود دو سوم صادرات غیر نفتی ایران محصولات اولیه و مبتنی بر منابع طبیعی (کشاورزی، نفت و ذخایر معدنی) است و از نظریه هکشر-اوهلین تبعیت می‌کند. نکته دیگر آن که، بطور متوسط حدود **دو سوم** از صادرات غیر نفتی ایران را محصولات پتروشیمیایی و یا متکی بر محصولات معدنی تشکیل می‌دهد که **سرمایه‌بر** هستند.

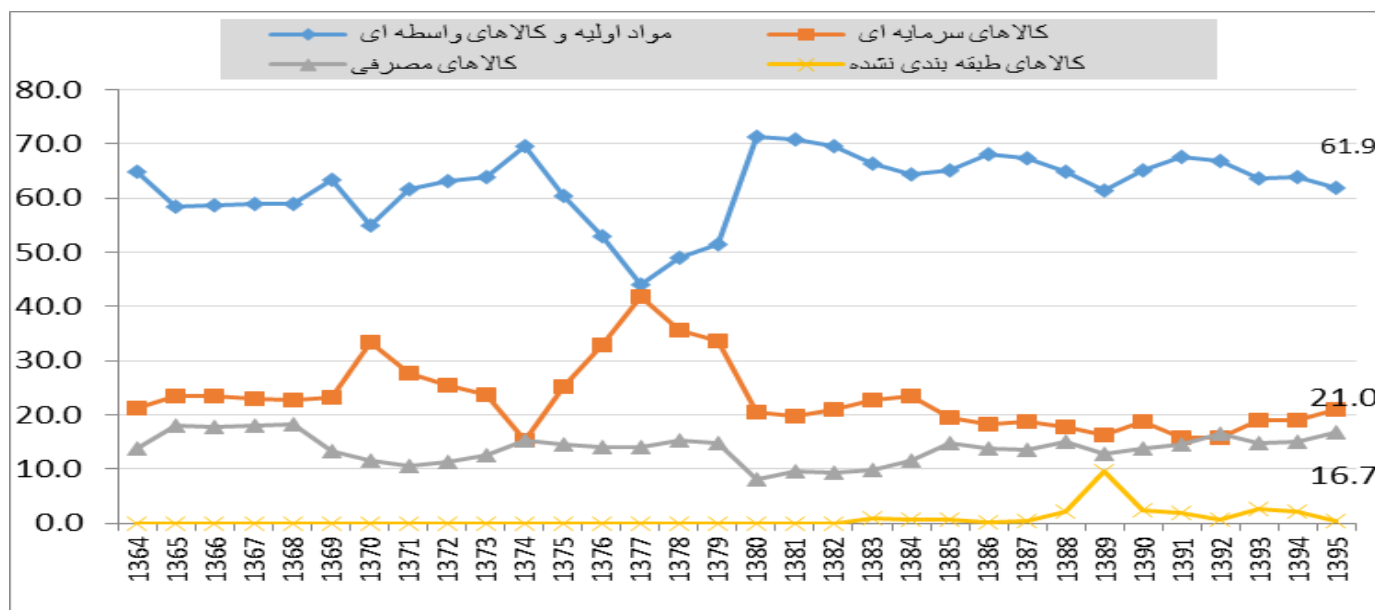
نمودار روند واردات کل به تفکیک واردات کالا و خدمات



ماخذ: بانک مرکزی.

با اتمام جنگ تحمیلی ضرورت ایجاد و گسترش امکانات زیربنائی و تامین کالاهای اساسی در بخش‌های مصرفی و تولیدی، لذا **واردات** افزایش یافت. واردات کالای دوره ۹۵ - ۱۳۶۵ از **روند افزایشی** برخوردار بوده به طوری که از ۱۱.۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ به ۶۳.۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. از اواسط سال ۱۳۹۰ و سال ۱۳۹۱ **بواسطه افزایش نرخ ارز و بحران ارزی و لزوم اتخاذ سیاست‌های جدید تجاری**، واردات و همچنین صادرات غیرنفتی در حوزه محصولات پتروشیمی و میعانات گازی تحت تاثیر قرار گرفت، به نحوی که ارزش صادرات و واردات کاهش یافت. **بخش عمده واردات کشور را واردات کالا تشکیل می‌دهد.**

نمودار روند ترکیب واردات کالا بر حسب مصرف طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ (درصد)



ماخذ: بانک مرکزی.

واردات واسطه ای بیشترین سهم را در کل واردات داشته است و مجموع واردات واسطه ای و سرمایه ای در دوره یاد شده بیش از ۸۵ درصد واردات کشور را تشکیل می دهند. این امر نشان دهنده وابستگی تولید داخلی به واردات و بنابراین تولید کشور به درآمد نفت می باشد. بیشترین میزان نرخ تعرفه وارداتی، بر کالاهای مصرفی وضع شده است.

با توجه به موارد فوق، سیاست جایگزین واردات بر روی کالاهای مصرفی انجام شده است و در زمینه افزایش تولید کالاهای واسطه ای و سرمایه ای تلاش جدی انجام نشده است.

خلاصه و

جمعبندی

✓ سیاست‌های مالی و پولی می‌بایست بطور فعال برای توسعه اشتغال مورد استفاده قرار گیرند.

✓ اشتغالزایی در برنامه سوم توسعه در قیاس با برنامه‌های دیگر، بهتر بوده است و دلیل اصلی آن

هماهنگی سیاست‌های مالی، پولی و ارزی با اهداف توسعه اشتغال است.

فصل ششم:

سازگاری سیاستها و پیش بینی اشتغال در

برنامه ششم توسعه

ارزیابی سیاستهای اشتغال

در فصل ششم، ابتدا سیاستهای اشتغال در برنامه ششم توسعه و احکام دائمی کشور و همچنین سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و نهایتاً برنامه دولت دوازدهم مورد بررسی قرار گرفته و سپس سازگاری سیاستهای اقتصاد کلان با سیاستهای اشتغال نیز کنکاش شده است.

✓ در برنامه ششم توسعه، مقرر شده است متوسط رشد اقتصادی کشور ۸ درصد و متوسط رشد اشتغال ۳.۹ درصد باشد. هدف گذاری مخارج عمرانی و جاری و مالیاتها به گونه ای است که نشان می دهد دولت سیاست مالی انقباضی اتخاذ نموده و هماهنگ با اهداف توسعه اشتغال نیست.

✓ برنامه های دولت دوازدهم نیز نشان می دهد توجه دولت به افزایش مالیاتهای مستقیم و کاهش مالیاتهای غیر مستقیم (با تاکید بر کاهش مالیات بر سود شرکتها) است که این رویکرد تاثیر منفی بر اشتغال دارد. نکته دیگر در خصوص سیاستهای مالی مربوط به در نظر گرفتن معافیت مالیاتی برای سرمایه گذاران در مناطق عدم برخوردار از اشتغال و اختصاص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده برای حمایت از اشتغال جوانان است که در صورت اجراء، از شدت تاثیر منفی افزایش مالیاتها بر اشتغال کم می کند. همچنین اختصاص منابع مالی دولت برای طرحهای معافیت حق بیمه سهم کارفرما در خصوص استخدام جوانان دانش آموزان و اجرای طرح کارورزی دانش آموزان دانشگاهی می تواند به افزایش اثر بخشی هزینه های دولت بر اشتغال کمک نماید. افزون بر اینها، برای کاهش اثرات منفی سیاست مالی انقباضی بر اشتغال، دولت می بایست با ابتکاراتی، هم امکان تحقق فعالیت های عمرانی را فراهم نماید و هم سهم هزینه های عمرانی از کل مخارج خود را افزایش دهد.



نتایج بررسی سیاستهای اتخاذ شده در برنامه ششم توسعه، برنامه دولت دوازدهم و اقتصاد مقاومتی نشانگر آن است که برنامه های مختلفی برای توسعه اشتغال در نظر گرفته شده است که هم به افزایش اشتغال پذیری (ارتقای مهارت های جویندگان کار) و هم به تهییج طرف تقاضای بازار کار توجه دارد.

سازگاری سیاست‌های اقتصاد کلان برنامه ششم با سیاست‌های اشتغال

- ✓ نتایج بررسی سیاست پولی نشان می‌دهد که در برنامه ششم توسعه، سیاست پولی انبساطی اتخاذ شده است و افزون بر آن، تسهیلات اعطایی بانکها از رشد مطلوبی برخوردار بوده و هماهنگ با اهداف توسعه اشتغال است. در این برنامه، برای کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی، از رویکرد اهرم کردن منابع مالی دولتی ارزان در کنار منابع نظام بانکی و پرداخت یارانه سود تسهیلات توسط دولت استفاده شده است. افزون بر این، کاهش فاصله بین نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی نیز مورد توجه قرار گرفته که به افزایش کارایی نظام بانکی و کاهش هزینه تامین مالی بنگاه‌ها کمک خواهد کرد. نکته دیگر آن که، در برنامه دولت دوازدهم مقرر شده در تدوین سیاست پولی به هدف گذاری کنترل تورم توجه شود، حال آن که باید در کنار توجه به کنترل تورم به هدف توسعه اشتغال نیز توجه داشت. سیاست‌های تجاری و ارزی برنامه ششم توسعه و دولت دوازدهم در جهت تشویق صادرات غیر نفتی و بهبود نرخ ارز حقیقی است.
- ✓ در حوزه سیاست ارزی، حرکت به سوی نظام تک نرخ ارز و نظام ارزی شناور مدیریت شده، مهمترین رویکرد دولت دوازدهم است که در صورت اجراء، به ارتقای رقابت پذیری و آزادی بیشتر تجارت خارجی ایران کمک نماید. افزون بر این، پوشش ریسک نوسانات بیش از ۱۰ درصد نرخ ارز، به کاهش نوسانات نرخ ارز و افزایش صادرات غیر نفتی و توسعه اشتغال کمک می‌نماید.
- ✓ در حوزه سیاست تجاری، فراهم کردن ترتیبات پیوستن به سازمان تجارت جهانی و تنظیم قراردادهای دو یا چند جانبه با کشورها و مناطق جزو مهمترین اهداف دولت دوازدهم است که به معنای کاهش متوسط تعرفه‌های وارداتی و ضرورت ایجاد آمادگی در بنگاه‌ها برای پیوستن به این سازمان است. با توجه به اثرات منفی ضعیف افزایش نرخ ارز حقیقی و کاهش تعرفه وارداتی بر اشتغال، اجرای سیاست بهبود نرخ ارز حقیقی و کاهش تعرفه وارداتی لطمه قابل ملاحظه ای بر اشتغال نخواهد گذاشت و از طریق بکارگیری سیاست‌های تشویق صادرات غیر نفتی که در برنامه ششم توسعه تدوین شده است، می‌توان اثرات منفی مذکور را خنثی نمود.

تصریح مدل برای پیش‌بینی ایجاد اشتغال

مدلی که برای تبیین اثرات سیاست‌های کلان و پیش‌بینی ایجاد اشتغال در نظر گرفته شده است به صورت زیر است:

$$LL = B_0 + B_1 * LKLR + B_2 * LRWI + B_3 * LGDPNO + B_4 * LGE + B_5 * LTT + B_6 * LM2 + B_7 * LOAN + \varepsilon_t$$

در برآورد تابع اشتغال، از متغیرهای تولید ناخالص داخلی غیر نفتی (GDPNO)، شاخص دستمزد نسبی (RWI)، سرمایه سرانه (KLR)، کل هزینه‌های دولت (GE)، کل مالیات‌های دولت (TT)، نقدینگی (M2) و مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی (LOAN) استفاده شده است. در انتخاب متغیرهای مستقل، با توجه به محدودیت‌های آماری در انتخاب متغیرها، به گونه‌ای عمل شده است که بتوان اثرات سیاست‌های اقتصاد کلان بر اشتغال را تحلیل نمود. به عنوان مثال، از کل مالیات‌ها بجای تفکیک مالیات مستقیم و غیر مستقیم و همچنین از کل هزینه‌های دولت بجای تفکیک هزینه‌های جاری و عمرانی و از شاخص دستمزد نسبی بجای دستمزد و نرخ سود تسهیلات بانکی استفاده شده است تا فرصت استفاده از متغیرهای دیگر در الگو فراهم شود.

نتایج برآورد مدل اثرات سیاست اقتصاد کلان بر اشتغال

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرها و پسماندهای الگو نشان داده که تمامی متغیرها یا (1)I و یا در برخی موارد (0)I هستند و پسماندهای الگو نیز مانا است. نتایج آزمون هم انباشتگی نیز، نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل وجود دارد و می‌توان بدون تفاضل‌گیری، متغیرها را وارد مدل نمود. بنابراین، برای بررسی و تعیین ضرایب متغیرها، از مدل هم انباشتگی استفاده می‌شود.

نتایج حاصل از برآورد الگو به روش هم انباشتگی، برای دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ می‌باشد. همان طوری که مشاهده می‌شود، قدرت تشریح تعدیل شده الگو بیش از ۹۹ درصد است و تمامی ضرایب در سطح اطمینان حداقل ۹۰ درصد معنادار هستند.

عنوان متغیر	نام متغیرها	ضریب متغیر(انحراف معیار)
LGDPNO	لگاریتم تولید ناخالص داخلی غیرنفتی به قیمت ثابت	0.15(0.04*)
LRWI	لگاریتم شاخص دستمزد نسبی	-0.04(0.01*)
LKLR	لگاریتم سرمایه سرانه به قیمت ثابت	-0.62(0.03*)
LGE	لگاریتم کل هزینه‌های دولت به قیمت ثابت	0.03(0.01**)
LTT	لگاریتم کل مالیات‌های دولت به قیمت ثابت	-0.01(0.01***)
LLOAN	لگاریتم مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی به قیمت ثابت	0.04(0.01*)
LM2	لگاریتم نقدینگی به قیمت ثابت	0.04(0.02**)
C	عرض از مبدأ	16.86(0.41*)
@TREND	روند	0.02(0.002*)
\bar{R}^2	خوبی برازش	0.99

مأخذ: نتایج برآورد الگوی با نرم افزار Eviews, ver9
اعداد داخل پرانتز مقدار انحراف معیار متغیر می‌باشد.

علامت‌های * ، ** و *** معناداری ضرایب در سطوح اطمینان ۹۹ درصد، ۹۵ و ۹۰ درصد را مشخص می‌کند.

تفسیر
نتایج

تفسیر نتایج بر آورد مدل اثرات اثرات سیاست اقتصاد کلان بر اشتغال

مطابق نتایج:

- ✓ تولید ناخالص داخلی غیر نفتی تاثیر مثبت و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ شاخص دستمزد نسبی که از تقسیم شاخص دستمزد اسمی بر میانگین نرخ سود تسهیلات بانکی بدست می آید، مطابق انتظار نظری تاثیر منفی و معناداری بر اشتغال دارد.
- ✓ شاخص سرمایه سرانه به عنوان پراکسی پیشرفت فناوری نیز تاثیر منفی و معناداری بر اشتغال دارد و در این مورد هم علامت این متغیر مطابق انتظار نظری است.
- ✓ متغیرهای کل مالیات تاثیر منفی و کل هزینه‌های دولت اثر مثبت و معناداری بر اشتغال دارند که نشان دهنده تاثیر مثبت سیاست مالی انبساطی بر اشتغال است.
- ✓ متغیرهای مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی و نقدینگی به عنوان متغیرهای سیاست پولی تاثیر مثبت و معناداری بر اشتغال دارند.
- ✓ متغیر روند زمانی به عنوان پراکسی سایر عوامل موثر بر اشتغال دارای اثر مثبت و معنادار بر اشتغال است.

شایان ذکر است، نرخ تعرفه وارداتی، نرخ ارز حقیقی و فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی به دلیل مشکلات هم خطی وارد الگو نشده است. افزون بر این، همان طوری که پیشتر ملاحظه گردید این متغیرها اثر قوی بر اشتغال ندارند و با سیاستگذاری آنها نمی‌توان انتظار داشت اشتغال قابل ملاحظه ای در آینده ایجاد شود. به عنوان مثال، به دلیل بالا بودن تعرفه‌ها و واردات قاچاق در ایران، امکان افزایش تعرفه‌های وارداتی و ایجاد اشتغال از این طریق وجود ندارد. با توجه به کاهش نرخ ارز حقیقی در سه دهه اخیر، امکان کاهش نرخ ارز حقیقی و افزایش اشتغال از این طریق نیز وجود ندارد. در نهایت، به دلیل محدودیت‌های ارزی و در معرض تحریم بودن ایران، امکان کاهش فاصله نرخ ارز آزاد و رسمی در آینده وجود ندارد و افزایش اشتغال از این طریق نیز متصور نیست.

پیش بینی اشتغال در دو گزینه:

(۱) ادامه روند گذشته

(۲) رعایت اهداف قانون برنامه ششم توسعه

گزینه ادامه روند گذشته، عمدتاً مبتنی بر عملکرد اقتصاد در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۵ است. سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۷ به دلیل شرایط جنگ تحمیلی و سالهای ۱۳۶۸-۱۳۶۹ به دلیل شرایط خاص بعد از اتمام جنگ تحمیلی (مانند وجود ظرفیت‌های بیکار در مقیاس وسیع و رشد سریع اقتصاد) کنار گذاشته شده است، زیرا آن دوره شباهتی با دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۰ ندارد.

در مورد گزینه برنامه ششم توسعه، هدف گذاری مشخصی در مورد متغیر شاخص دستمزد نسبی و سرمایه سرانه در قانون برنامه ششم توسعه وجود ندارد، لذا برای متغیرهای مذکور بصورت کارشناسی هدف‌گذاری شده است. در مورد **شاخص دستمزد نسبی**، از عملکرد ۲۵ سال گذشته مشخص می‌شود این شاخص بطور متوسط سالانه ۲.۳ درصد بیشتر از نرخ تورم افزایش یافته است و با توجه به هدف گذاری نرخ تورم ۸/۸ درصدی طی برنامه ششم توسعه و با فرض ثابت بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، شاخص دستمزد نسبی بطور متوسط سالانه ۱۱.۱ درصد افزایش خواهد یافت. گفتنی است، با توجه به مشکلات اساسی بانکها، انتظار نمی‌رود نظام بانکی بتواند نرخ سود تسهیلات بانکی را کاهش دهد. در مورد **سرمایه سرانه**، از عملکرد ۲۵ سال اخیر این متغیر استفاده شده است که در دوره مذکور بطور متوسط سالانه ۰.۹ درصد افزایش یافته است.

فروض پیش بینی تابع اشتغال

جدول متوسط نرخ رشد سالانه متغیرهای مستقل طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰

در دو گزینه ادامه روند گذشته و برنامه ششم توسعه - (درصد)

عنوان	تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت ثابت ۹۰	شاخص دستمزد نسبی	سرمایه سرانه به قیمت ثابت ۹۰	کل درآمد مالیاتی به قیمت ثابت ۹۰	کل مخارج دولت به قیمت ثابت ۹۰	مانده تسهیلات بانکها و موسسات اعتباری به بخش غیردولتی به قیمت ثابت ۹۰	نقدینگی به قیمت ثابت ۹۰
گزینه ادامه روند گذشته	3.9	20.3	0.9	4.9	2.2	6.6	6.8
گزینه قانون برنامه ششم توسعه	8.3	11.1	0.9	16.7	8.2	7.7	8.2

ماخذ: قانون برنامه ششم توسعه و نتایج تحقیق حاضر

جدول پیش بینی خالص ایجاد اشتغال و متوسط نرخ رشد اشتغال
در گزینه ادامه روند گذشته و گزینه قانون برنامه ششم توسعه

هدف گذاری اشتغال در برنامه ششم توسعه	پیش بینی اشتغال بر اساس الگوی اقتصاد سنجی به روش هم انباشتگی		سال
	گزینه ادامه روند گذشته	گزینه رعایت اهداف قانون برنامه ششم توسعه	
22588052	22737854	22737854	1395
23468986	23244141	23485575	1396
24384276	23761094	24262513	1397
25335263	24289177	25061068	1398
26323339	24830494	25889320	1399
27349949	25383545	26747255	1400
952379	529138	801880	متوسط سالانه افزایش اشتغال
3.9	2.2	3.3	متوسط رشد سالانه

ماخذ: قانون برنامه ششم توسعه و نتایج تحقیق حاضر

تفسیر نتایج

در گزینه روند گذشته، بطور متوسط سالانه ۵۲۹ هزار نفر به جمعیت شاغل افزوده خواهد شد و متوسط نرخ رشد سالانه اشتغال در طول برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) حدود ۲/۲ درصد خواهد بود.

در گزینه رعایت اهداف قانون برنامه ششم توسعه، متوسط سالانه افزایش اشتغال حدود ۸۰۲ هزار نفر و متوسط رشد سالانه اشتغال ۳/۳ درصد خواهد بود.

در قانون برنامه ششم توسعه نرخ رشد اشتغال ۳.۹ درصد تعیین شده است و با توجه به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ که جمعیت شاغل ۲۲۵۸۸ هزار نفر است، متوسط سالانه افزایش اشتغال حدود ۹۵۲ هزار نفر هدف گذاری شده است. بنابراین، اولاً ادامه عملکرد گذشته اقتصاد ایران **جوابگوی نیازهای اشتغال** در برنامه ششم توسعه نیست، ثانیاً حتی با تحقق رشد تولید ناخالص داخلی غیر نفتی به میزان ۸.۳ درصد که بسیار مشکل است، برای تحقق هدف تعیین شده برای ایجاد اشتغال به اجرای سیاست‌های فعال بازار کار نیاز است تا سالانه ۱۵۰ هزار شغل بیشتر از پیش بینی الگو ایجاد شود.



فصل هفتم:
توصیه‌های سیاستی

سیاست‌های مالی سازگار با اشتغال:

- ✓ افزایش سهم هزینه‌های عمرانی از کل هزینه‌های دولت
- ✓ استفاده عملیاتی از الگوی مشارکت عمومی - خصوصی برای تسریع فعالیت‌های عمرانی دولت
- ✓ افزایش سهم مالیات‌های غیر مستقیم از کل درآمد مالیاتی
- ✓ عملیاتی نمودن معافیت یا تخفیف مالیاتی برای سرمایه گذاران در مناطق عدم برخوردار از اشتغال
- ✓ عملیاتی نمودن اختصاص بخشی از مالیات بر ارزش افزوده برای حمایت از اشتغال جوانان
- ✓ اختصاص بخشی از هزینه‌های جاری دولت برای طرح‌های معافیت حق بیمه سهم کارفرما در خصوص استخدام جوانان دانش آموخته دانشگاهی و اجرای طرح کارورزی دانش آموختگان دانشگاهی

سیاست پولی سازگار با اشتغال:

- ✓ کاهش نرخ سود واقعی تسهیلات بانکی
- ✓ افزایش تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی
- ✓ تنظیم رشد نقدینگی با توجه به رشد اقتصادی کشور و نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی
- ✓ اهرم کردن منابع مالی دولتی و منابع صندوق توسعه ملی با منابع سیستم بانکی در راستای کاهش هزینه تامین مالی طرح‌های سرمایه گذاری اشتغالزا

سیاست‌های تجاری و ارزی سازگار با اشتغال:

- ✓ کاهش ملایم و تدریجی تعرفه‌های وارداتی
- ✓ تعیین نرخ تعرفه بهینه بر واردات کالاها
- ✓ کاهش واردات قاچاق
- ✓ تثبیت نرخ ارز حقیقی
- ✓ کاهش فاصله بین نرخ ارز آزاد و رسمی و حرکت به سمت نظام تک نرخي ارز شناور مدیریت شده
- ✓ پوشش نوسانات نرخ ارز
- ✓ حمایت مالی دولت از برنامه‌های ارتقای بهره‌وری شرکت‌های صادراتی
- ✓ پرداخت یارانه صادراتی به شرکت‌های صادراتی
- ✓ کمک دولت به ایجاد نهادهای تسهیلگر برای اتصال بنگاه‌های داخلی به بنگاه‌های صاحب برند خارجی در راستای توسعه صادرات

بایسپاس از حسن
پیشوا
نوحه شما